

حکایتی از قحطی پیاز در حکومت هویدا

پیاز، سانسور و توقیف روزنامه توفیق

۲۳ اسفند ۱۳۹۶ ساعت ۱۶:۴۱

در سال های دهه چهل، پس از ترور حسن علی منصور، امیر عباس هویدا که وزیر دارایی بود، به جای او نخست وزیر شد. در همان زمان ناگهان پیاز نایاب شد و محترمان پیازهای خود را انبار کردند و پیازی خود را انبار کردند و پیازی که تا چند روز پیش کیلویی سه ریال بود به سی و حتی چهل ریال رسید و این بار جدانشدنی دیزی، از قهوه خانه ها به خانه های اشراف نقل مکان کرد.

کافه تاریخ- کشکول

در سال های دهه چهل، پس از ترور حسن علی منصور، امیر عباس هویدا که وزیر دارایی بود، به جای او نخست وزیر شد. در همان زمان ناگهان پیاز نایاب شد و محترمان پیازهای خود را انبار کردند. پیازی که تا چند روز پیش کیلویی سه ریال بود به سی و حتی چهل ریال رسید و این بار جدانشدنی دیزی، از قهوه خانه ها به خانه های اشراف نقل مکان کرد. هفته نامه فکاهی توفیق که این موضوع را سوژه کرد و در کاریکاتوری، انباری را پر پیاز کشید و محترمان شکم گنده رویش نشانند. این کاریکاتور نیمی از صفحه را پر کرده بود و زیرش شعری نوشته بودند که در آن از دولت هویدا انتقاد شده بود. بخشی از آن شعر نو چنین بود:

گفتی که نون ارزون همیشه

کو نون ارزونت عمه ات به قربونت

گفتی که پیاز ارزون و فراوون میشه کو پیاز فراوونت عمه ات به قربونت

در همان روزها نان تافتون دو ریالی به دو نیم ریال و نان سنگک سه ریالی به چهار ریال رسید. بقیه ارزاق مردم هم گران شدند. هفته نامه توفیق در همان شماره، کاریکاتور دیگری کشید که دختر گریانی را نشان می داد که در یک دست دسته ای اسکناس دو تومانی و در دست دیگر، کاسه ای خالی دارد، به پدرش می گفت: مش عباس بقال منو مسخره کرد که مگه میشه با این پول ماست خرید؟ منم از خجالت به گریه افتادم.

توجه کنید که نام نخست وزیر امیرعباس هویدا بود. توفیق با نوشتن نام مش عباس بقال، او را علت گرانی ها می دانست. به همین دلیل هفته بعد، توفیق منتشر نشد و به قول خودش توفیق رفت توقیف. کمی بعد با چند هواپیمای سیصد و سی ارتشی، چندین تن پیاز از هندوستان وارد کردند و آن ها را در محوطه ساختمان تازه ساز اداره قند و شکر که در میدان راه آهن بود، و در کنار زمینی خالی که از میدان راه آهن تا چهارراه مختاری بود و جای آشغال بود خالی کردند. محتکران با ورود آن همه پیاز، ناچار شدند پیازهای خود را روانه بازار کنند. دولت هم به همین کار بسنده کرد و پیازهای وارداتی را فراموش کرد و گذاشت بیپسند. بوی پوسیدگی پیازهای هندی تا مدت ها شامه مردم آن ناحیه را آزار می داد و کسی نبود بگوید باقالی به چند من.

برگرفته از: محمدابراهیم رنجبر امیری، خاطرات یک روزنامه فروش، نشر شادرنگ، ۱۳۹۲، ص ۲۱۴.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۷۱۴/پیاز-سانسور-توقیف-روزنامه>